

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز با توجه به پاسخ شما به سوال (۱۰۳۰۷) که یکی از کاربران پرسیده بود و تحت عنوان (کربلا و نجات انسان‌ها از زیر خروارها گناه) در بخش یادداشت ویژه انتشار یافته ابهاماتی برایم وجود داشت که در ادامه مطرح می‌کنم. ۱- اول آنکه فرمودید: (زمانه زمانه‌ی گناه‌آلودی است و این آخرین تیری است که شیطان آخرالزمان از ترکش خود رها کرده و بعد از مدتی می‌بینی به‌خود آمدی.) منظور از این به خود آمدن چیست و چگونه اتفاق می‌افتد. چراکه هرگنه کاری که محبتی از اهل بیت علیهم السلام در دل داشته باشد پس از آنکه آتش غضب و شهوت فرو نشست و غفلت زایل شد به خود می‌آید اما آن لحظه به خود می‌آید که در اثر گناه همه چیز خودش را از دست داده و اگر دوباره شروع کند بازهم ممکن است به غفلت و معصیت دچار شود. از همین رو خواستم بدانم منظورتان از اینکه فرمودید: (بعد از مدتی می‌بینی به‌خود آمدی.) چیست. این چگونه به خود آمدنی است و چگونه اتفاق می‌افتد؟ یا یک بیداری پایدار است؟ و ممکن؟ ۲- دوم اینکه فرمودید: (اگر کسی با دشمنان اسلام فرسنگ‌ها همراه بود و تنها یک قدم تا انتهای راه مانده، اگر در آخرین قدم نیز برگردد می‌تواند در صعود به اشخاص درجه‌ی اول برسد و همراه حبیب بن مظاهرها شهید شود... در همراهی با سفلگان هر قدم که برداری جذبه افزون می‌گردد و جرأت برگشت را به‌کلی از انسان می‌گیرد. پس تو نیز هنگامی که سقوط از حد گذشت، به کناری برو و در کار خود بیندیش و به آخرین منزلی که در این راه می‌رسی فکر کن و این شهیدان را از نظر دور مدار تا معلوم شود جای ناامیدی نیست) لطفا توضیح دهید منظور از این همراهی و بازگشت چیست؟ در تاریخ و زمانه ما که عده‌ی زیادی از جوانان و نوجوانان در لجنزار ترویج فحشا گرفتار شده‌اند و متأسفانه نوجوانان ما بهترین لحظات زندگی خود را این روزها در دام این مفاسد سپری می‌کنند چگونه باید بازگشت از این راه و به حبیب بن مظاهرها رسید؟ منظورتان از سفلگان چه کسانی است؟ و چرا همراهی با آنها جذبه افزونی دارد؟ ۳- سوم اینکه فرمودید: (این شهیدان به ما می‌گویند: وقتی امام حسین(ع) مدّ نظرها باشد و تاریخ دفاع از انقلاب اسلامی ظهور کند، با یک حرکت معقولانه می‌توان از زیر خروارها گناه به‌در آمد و در هیچ حالی نباید از دست‌یابی به اهداف مقدس مأیوس شد حتی اگر در لشکر یزید باشی.) لطفا در مورد این حرکت معقولانه بیشتر توضیح دهید. منظورتان از یک حرکت معقولانه چیست؟ این چه حرکتی است که ما را ناگهان از زیر خروارها گناه نجات می‌دهد؟ درحالی که بسیاری از جوانانی که در دام گناه افتاده و از خود ناراضی هستند از این شکایت می‌کنند که هرچه قدر از گناه فاصله می‌گیرند دوباره با یک فرصت و پیش آمد به آن برمی‌گردند و یا به آن عادت کرده‌اند؟ ۴- چهارم اینکه فرمودید: (از آن جایی که

نفس اماره را باید کشت و با نظر مبارک اولیاء الهی به خصوص حضرت سیدالشهداء(ع) این کار ممکن است، باید به طریقی نظر مبارک حضرت را جلب کرد تا ما مالک نفس خود شویم و راه عبودیت پیش گیریم و اشک بر ابا عبدالله(ع) وقتی با نظر به مقام حضرت باشد، کارها خواهد کرد. در اینجا دو سوال مطرح است. اول آنکه این طریقی که فرمودید، در زمانه ما و با توجه به وضع حال بسیاری از این نوجوانان و جوانان که به دنبال راه نجاتی می گردند چیست؟ و اگر اشک می تواند کارها کند پس چرا می بینیم که عده ای از این جوانان با آنکه شبهای محرم در عزاداری شرکت می کنند و اشک برای سیدالشهدا(ع) می ریزند ولی در همین ایام هم ممکن است باز هم گناهان خود را دنبال کنند و تکرار نمایند؟ در پایان اینکه همواره در همه مجالس ما را نهیب می زدند که شما از خودتان و این همه گناهی که کردید خجالت بکشید، در مناجاتشان می گویند: من که این کار را کردم یا آن کار را کردم و آنقدر همه ی گذشته جلوی چشم انسان مجسم می شود که باورش نمی شود حضرت سیدالشهدا علیه السلام به او هم نگاهی بکند. دائم به خودش می گوید آخر امام حسین علیه السلام به آدمی مثل من چکار دارد؟ من باید بروم با همین خجالت و شرمندگی بمیرم. واقعا هم احساس شرم می مند اما شرمی که با یاس همراه هست. حالا شما آمدید و می گوید امام حسین علیه السلام با دلسوزی تمام آمده دنبال شما. شما که دلتان ابا عبدالله را می خواهد ولی جرات نمی کنید شما بروید به سویش. می گوید ما هم می توانیم با این همه گناه برگردیم و یار ابا عبدالله باشیم آن هم در مقام بهترین یارانشان. فرمودید این دیوار عصمتی که به دور شهدا کشیده اید اجازه نمی دهد تا صدای دلسوزانه ابا عبدالله را بشنویم. حالا برای ما روشن کنید که با این امیدی که اکنون به دستگیری و نجات پیدا کرده ایم و با این گمانی که می بریم که سفینه النجات هستی برای ما هم جایی در رکاب خود تدارک کرده است، چه باید بکنیم تا همانگونه که فرمودید این دام ها و غل و زنجیرهای گناه و شهوت و غضب و نکبت را از دست و پای خود آزاد کنیم و در هوای عشق و ارادت و محبت به ابا عبدالله تا پای جان غلام حلقه به گوش ایشان بمانیم؟ چگونه قدم برداریم و انتخاب کنیم و آن حرکت معقولانه را انجام دهیم تا مطمئن باشیم برای ابد از این دام های حيله گر مکار رهایی یافته ایم و شیطان و هوای نفس نخواهد توانست برای ما جلوه کند و بر ما چیره شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ابتدا لازم است عرض کنم این متنی که روی سایت مطالعه فرمودید متنی بود که بنا بود در روز شنبه ۱۰/۰۸/۹۳ بر اساس آن صحبت کنم که بحمدالله این کار انجام شد و امید است در شرح آن متن در آن سخنرانی سؤالاتی که داشته‌اید برطرف شده باشد ۱- منظور از گناه‌آلوده بودن زمانه آن است که دنیای استکبار که حیات خود را در نفی ارزش‌های الهی می‌داند چهارصد سال است زمینه را برای رواج گناه فراهم کرده و این سال‌ها آن را به اوج رسانده به طوری که اگر تا دیروز در پشت پرده این کار را رواج می‌داد، امروز علنی کرده و همین امر موجب می‌شود که مردم به آن فکر و فرهنگ پشت کنند و زندگی دیگری را انتخاب نمایند و در آن حال شما با فضای دیگری روبه‌رو

می‌شوید که در آن فضا به جای سبقت به سوی گناه با سبقت به سوی پاکی و طهارت روح روبه‌رو می‌شوید و این خیلی دور نیست ۲- ما سال‌ها است با فرهنگ ظلمانی غرب همراهی کردیم در حدی که تفکر و سبک زندگی ما تماماً غربی شده، مثل کسانی که در فرهنگ اموی پروریده شده بودند، حال با ظهور انقلاب اسلامی و احیاء روح حسینی باید منتظر بود که این ملت مثل همان‌هایی که از لشکر عمر سعد به امام حسین «علیه‌السلام» پیوستند، به معنای حقیقی به انقلاب اسلامی و به رهبری آن رجوع کنند و این خیلی دور نیست ۳- حرکت معقولانه که در مقابل ملت‌های ما است یک جمع‌بندی تاریخی است که به خود می‌آیند که باید با تمام وجود به زندگی دینی رجوع کرد و مطابق عقیده‌ی دینی خود زندگی را شکل دهیم که در مقاله‌ی « کربلا و اقی که باید در پیش رو قرار دهیم» عریضی در این مورد شده ۴- مگر بنا است اگر با اشک و عزاداری، امام حسین «علیه‌السلام» نظر مبارکشان را بر ما انداختند و مزه‌ی دین‌داری را به جان ما چشانند، شیطان بی‌کار بنشیند؟! دوباره شیطان از زاویه‌ای دیگر وارد می‌شود و دوباره امام حسین «علیه‌السلام» ما را دستگیری می‌کنند تا ما به آن جمع‌بندی تاریخی برسیم که من به آن بسیار امیدوارم و در آن جمع‌بندی تاریخی است که یک‌مرتبه شما می‌بینید همان‌طور که نظام شاهنشاهی پس از پنجاه سال تبلیغ برای فاسدکردن ملت، ملت حسینی با روبه‌روشدن با پیام حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به خود آمدند و پنجاه سال تبلیغات را زیر پا گذاردند؛ ما باید نسبت به حرکت سیدالشهداء «علیه‌السلام» ساده نگذریم و به این سفینه‌ی نجات با امیدواری تمام نظر کنیم. موفق باشید